یادکرد هدایت زرتشت در متن مانوی

ويلامز جکس

داریوش احمدی

اشهر

دنی زرتشت، در مقام یکی از ادیان مندزنده آسیای کهن، چنان که از آموزه‌های مانوی بر می‌آید، تأثیرات گسترده‌ای را در انجاره‌های بزدان شناسی و کیهان‌شناسی دینمانی بر جای نهاد، و از اینرو، در نهاد مانی و پیروان او، کیش زرتشت همچون دینی بخشی، حقایقی و الهام بخشی، دارای چاپگاهی بسیار بر جسته‌ای بود. مقاله‌ حاضر، با پروسه شماری از اوراق مانوی به دست آمده از ترکستان چین، یادکرد های صریح و ضمنی زرتشت و دین او را در این متن، شناسایی و معرفی نموده است تا بدنی وسیله‌ای ابعاد تأثیرگذاری دین زرتشت بر کیش مانی، شفافتر و آشکارتر گردد. از سوی دیگر، یادکرد های معکور زرتشت و دین او در متن مانوی، جه استندی سیاسی معین و خدشه‌پذیراند، گواهی‌های ارزش‌های را درباره چاپگاه دین زرتشت در ایران پیش از اسلام، فرآیند می‌آورند.

گفتار معروف ابوزیبهان بروینی [به نقل از شاپورگان مانی] در آن گفتار از مانی نقل قول شده است که ژرتشت، بودا، و عیسی را جوانان پیشروان دینی خود شناخته و تصدیق

* منشی: گفتارها و کتاب‌شناسی این اثر از این فرار است:

کره چه، مدعی است که برای اصفهان ایرانی به جهان آمده است.

1. در وله‌ایا، هم زرتشت را به شکل مربی [Zoroş] به عنوان یک یکی بی‌پیامبر (Burxan)

الاهمی در جرخته‌های ایغوری به دعوت آمده از ایین‌ستیزی شهید می‌توان یافت.

چنان که لکیه ایثات کرده و گویی به طور قانونی‌که از طریق شواید زبان‌شناسی رابط گریده است. نام [Sou-lou-che] تأیید نموده است. این نام در زبان جینی به صورت (Zoroş Burxan) حدود دسامبر در این قطعات ویوه، که

پاره‌های افسانه‌ای را درباره یکی ساکن این صورت مقدس و جادوگر و دروان در بالاب ضبط کرده‌اند، تکرار می‌شود. شهر بالابا، در پرودن با زندگی مانی و حتی زرسنت، در بایوده افسانه‌ای نام‌یافته درباره زندگی وی، دارای حرمت و تقدص بوده است. در هر حال، این

قطعه‌مغناطیسی در شن که در ترکستان چایی پایه‌شده است، با ادامه‌هایی مربوط به برخی

داستان‌های زرتشتی گوه را که حمایت به زبان‌مان نیز داشته، حفظ کرده است.

2. نه تنها در قطعه‌پیشگره که برای سرود (Zardust / Zoro dusht) وجود محفوظ در مجموعه‌بلجین اشتراپی از دیوست (7) باد می‌شود. این یادکرد در در کتاب (Zoro usht) که در آن، از وی در کتاب فرشته‌ای ایرانی سروش (Srōš) بیان می‌شود. این یادکرد را در

یک سرود که منویی که جوان بیان‌هایی از باورداشت‌های زرتشتی درباره بارزیدادی روح انسان (یعنی انسان ناخنی، گیومرت) است، هم توان یافته. دریغی که تاکنون خود منب شده است، اما می‌توان این در نوشتاری آلمانی از استاد آندرس، با چچپ شده در کتاب Des iranische Erlosungsmysterium انجام شده.

1921، ص 92 در دسترس است.

3. افروز بر این، در قطعه‌های تورانی دیگری نیز به (کتاب زرتشتیان) ارجاعی داده شده که حاوی اشاره‌ای به آیین‌های معنی برده که در جهاد‌های از ویا زرتشتی نیز

انجام می‌گرفت. این متن چینی خوانده می‌شود:

ud pad any-z zardruztagan nibeg a'on nibesed ku pad cahardad roz i urmu kunisn o

kuni nishangar...

و در دیگر کتاب زرتشتیان چینی نوشته شده است: در روز جهاده‌هم ماه تبر کنی،

کنیش گر را [ایبیسته است]...
م. 16. 20-22 (Müller, Handschriften - Reste in Estrangelo - Schrift aus Turfan, Chinesisch - Turkistan, II, APAW 1904, p.94).\(^1\)

۴. اشاره احتمالی دیگری نیز به زرتشت، به عنوان پیشوی مانی، همراه با یادگری از عیسی، در یکی دیگر از متن‌های مانوی وجود دارد. این قطعه ناقص چنین آغاز می‌شود:

\[ nangbēd ud pešōbāy i den māzēs, ... \]

[... سروم و پیشوای نامدار دین مزدیسنا...]

م. 543. 1-3 (Müller, II, p.79)

هر جند نام زرتشت، باب توجه به پارگی ابتدا صفحه (۴۴۴) در بین قطعه افتدامه است،
اما قرارگرفتن او در کنار مزدا، یعنی گمان را موجه می‌سازد، به ویژه آنکه به 
دنبال این بند (سطر ۷)، به مهین فرشته زرتشتی، بهمن (Wulanu), اشاره‌ای شده است.
در ادامه این قطعه، به خود مانی، جوان آوایی نو، و دنده‌ای احکامی را استوارانه به
مهمانی، به درنگ در سطر های ۲-۳ اشاره می‌شود:

\[ tū nōg harnmōzāg i xwarāsān, ud rāyēnāg i waheđēnān\]

۵. تو آموزه‌گار نوین شرق و سامان دندنه نیک دبیان (مانوی)\(^2\) [هستی]
مضمون سطر های ۷-۴ "که در بار شهربانان 
زاده است" حقایقی مانی را در تا در مقام برای نشان می‌دهد و به درگی پس 
از آن، یادگر دیدنی از "عیسای بابکه ازاده" (kanīg yibō) 
همچون یکی دیگر از 
تجلیات الهی (sanān) می‌آید. بنابراین، با نتیجه گیری از همه این ترتیب‌ها و کنار 
هم‌گذری ها، این پیشنهاد که عبرت "سرور نامدار دین مزدیسنا" به شخص زرتشت 
اشه‌واره دارد، موجه به نظر می‌رسد. انتقالاً اشاره ضمینی دیگر نیز در، یک قطعه‌ی ترکی 
مانوی به "دن می‌گن" (moyūc nomin) وجود دارد (170 
سطر ۴ و برآمده‌ی لکوی، 
T. M. ۱۷۳، ص ۳۹)، (فرهنگستان برلین، ۱۹۲۲).\(^3\)

۵. با توجه به قطعه‌ای که در بالا ذکر شد، و با در نظر گرفتن اشاره‌ای پاروری‌نبودن به 
این که مانی، زرتشت، بوده، و عیسی، را پیشوندان دینی خود شناخته و تصقیف کرده بود، 
می‌توان قطعه به‌هولی نورفانی دیگری را نیز به مبان آورد. اما پیش از این کار، می‌بااست

\(^1\) در جهادگری دیگری از تقلیدات مانوی نیز به طور ویژه‌ای برای دین مانی به کار رفته است.
\(^2\) عنوان M. Boice, A Read in Manichaean Middle Persia and Parthian, Leiden, 1975, pp.183-184 (م).
\(^3\) عنوان M. Boice, Ibid, pp.149 (م).
شاهد بیرونی دیگری را می‌بینی بر اینکه «مانی پس از شناخت مذهب نیوی، محووس و نصاری ادعای نیوی کرد» اضافه کرد و این گفتگو را با استناد به هفتمان ندیم، دایر بر اینکه «مانی مذهب خود را با آین محووس و مسمیه، پیرامون آورد» و بنی‌بان از سرود مانی نسخه شهرستانی که دیدن مانی آمیخته ای از آین، محووس و مسمیه، بود. در کمک کرد. با در نظر گرفتن همه این اشارات، این گمان را (اما فقط یک گمان، یا زمانی که قطعات بیشتری به دست آید) می‌توان مطرح کرد که سه پیشرو دوی بزرگ مانی با عنوان «سه پسر خدا» در سطح معنی از یک سرود طولانی مانی درباره استیاشه، نزام و فرشتگرد که خود این عنوان زرتشتی بیانگر نوسازی فرجامدان جهان است مورد اشاره قرار گرفته‌اند. آنجایی که آمدید است:

asāh, man bōzāgar, pad istāwīn, anīwag barymār mānī ašhre baryphrān

تو را می‌ستایم (ای) منچی ام، بیگ زندتا مانی سروارا با سه پسر خدا

M. 4, par. 4, lines 10–13 (Müller II, p.54m)

در این بیانه، این نکته را باید در نظر داشته که همان نسبت بگیره در کتاب مورد «بایرام» (Müller II, p.34a)

برای عیسی، در نقل قولی مانی از کتاب از غیر این جدید (M. 18.3) که ابته جرمنی از مینی مبتنی بر کتاب مقدس است، به کار رفته است. افزون بر این، مانی در قطعاتی که (فرزند یزدان) (Müller II, p.66b, Mānī yasmān frāzānā)

شده و گویا (ای) پسر یزدان» (M. 32.3) = Müller II, p.66b, ʿon yazdān pūhr) نیز خطاب گردده است؟ در حالی که زرتشت و بودا، دو تن دیگر از سه پیشرو معنوی مانی، در قطعات مانی ترکی، جانان که پیشر باید رحم، به طور جدایی، با عنوان «پایام» (مافری که معرفی شده‌اند، بنابراین به نظر می‌رسد که دلایل برای اینکه، سه پسر خدا) را در این قطعه اشاره‌ای به زرتشت، بودا، و معیسی باقی است. در هر حال، با زمانی که قطعات بیشتری چاب یا کشف، دانسته در چه درک فرضیه به‌اقل خواهد ماند.

سرود زرتشت

سرود مانوی محفوظ در دستنوسیس ۷۰، شعری است به زبان پارسی که در آن به
بادکردهای دین زرتشت در میانه مانوئی

روشتش از زرتشت، پیام‌آور مزدابرسی، یاد شده است. در این قطعه، زرتشت، همچون نماهنگ بیماران نخستین با روح یا نفس زندگی که در دام و مغایر جهان مادی درافتاده و گرفتن آمده است، سخن می‌گوید، و او را به سوی بیداری و خودشناختی و رهایی رهتمون می‌گردد.

این گروه از اشعار مانوئی، که به زبان‌های ایرانی میانه سروده شده‌اند، نه تنها بر اصالت و غنای شعر و ادب ایران در اعصار باستانی گواهی می‌دهند، که نابایی بادکردهای بومی زرتشت را در استانه‌ای که به‌دلیل جنایت، به خوی جبران می‌نمایند.

در ادامه، متن اصلی (بارتی) و برگردان فارسی این متن را می‌خواند:

ag kâmed, u-tân a‰dêsân aţ wîgâšît cê pîdarân hasênagân.

bêzûgar ardâw zarhuşt, kad-iš wyâward aâg gris waêbe,

garân masûf ku xuft îsî, wiyrasû ud ò man wênâh.

drûd abar ò aţ sahr râmîn, çê az wasnêd òt frašûd hêm.

haw-iš wyâward hû az az hêm srûdaw anûzûr *înûzog zûdag,

wênîr îsîm ud zûr wênâm. izwây-im aţ maran ûyôz.

zarhuşt ò hû pad drûd pursûd waçan hasênag manûn handâm.

žwandagûn zûwâr ud masîši gehûn drûd abar ò aţ padîšt waêbe.

hassûh ò man, namître zûdag, pusag rûsn pad sar awwê.

tawagûn zûdag, kê kird "îy iskûh, ku çû dîkûsêh pad harw wyûgân..."

garî mi xwûhadî, shêma ra az gowâyî pêdran nûxastûn Agâh Safarî.

زرتشت رهایی بخش پارسا، آنگاه که با نفس خویش سخن می‌گفت،

[چنين گفت:] "امسی برگرگی است [این] که خفته‌ای، بیدار شو و می‌بین! درود بر او از شهو رامش (بهشت روشنی)، جه از برآ تو فرسنده شده‌ام.

او (نفس) نیز پاسخ داد: "من، منم؛ نازک‌زدزاده ابی آزار سروشوا (پدر برگرگی).

[ایا جهان مادی] آمیخته‌ام و آزار بینم. من از آغوش مرا سوی برپا کش.

زرتشت با درد[گویی] از او پرستید: "[آیا تو] وارته نخستین، اندام منی؟

نیروی زندگان و درود بر گرّترين کیهان از پایگاه خوبش بر تو ایاد!
پیرو از ایشان، زاده نرم خوبی، بسک روشی بر سر بگذار!
ای زاده‌توناتایان، که مُستمثدت کردنند، که به همه جای پیوسته گذایی را...